

اختلاف سلیقه والدین

در تربیت فرزندان



تعلیم و تربیت آدمی کاری پراچ و درعین حال بسیار وقت کبر است و نتایج قطعی و نهایی آن نسبتاً "دیر آشکار" می شود و ارجمندی آن بدان سبب است که آدمیت آدمیراده درکرو همین تعلیم و تربیت صحیح می باشد. بانوجه به این مسئله و اهمیت نقش تعلیم و تربیت خانوادگی، درپرورش انسانی سالم از لحاظ روحی و روانی، آشنایی والدین و مربیان با نقش تربیتی خود درپرورش کودک امری لازم و ضروری به نظر می رسد.

آنچه که امروزه دراکثر خانوادهها فراوان به چشم می خورد اختلاف سلیقه والدین بر سر

تربیت کودکان خود می باشد که این اختلاف نظر ناشی از عدم آشنایی والدین با مسائل تربیتی و روانی و همچنین نا آگاهی از عوارض حاصله از جنس عدم نوادگی بر سربین مسئله تربیتی می باشد که درحور بحث و نوجه والدین است. نمونه های فراوانی از اینگونه اختلاف نظرهای تربیتی درمیان انواع خانواده ها وجود

می شود کارهای ممنوع را نیز انجام داد و این عادت نمودن تدریجی کودک به کارهای خلاف اخلاق را موجب می شود .

کودک می آموزد که چگونه می توان کسی را علیه دیگری تحریک نمود . و ممکن است در آینده شخصی دوبهم زن و تحریک کننده بار بیاید که این خود لطمه بزرگی است که والدین ناخودآگاه و نادانسته به آینده کودک خود می زنند .

اینگونه والدین حسرو روحیه دروغگویی در کودک را بطور ناخود آگاه پرورش می دهند .

محبت‌های افراطی و دوستیهای پنهانی یکی از والدین (مثلاً پدر) سبب تنفر کودک از مادر و یا بالعکس می شود ، زیرا کودک وقتی که می بیند پدر آنقدر درحقیقت محبت می کند در اینجاست که احساس می کند مادر ، وی را به اندازه پدر دوست ندارد و این می تواند بعنوان عامل تقویت کننده ایجاد حس تنفر کودک از یکی والدین باشد .

دیگر اینکه روانشناسان اخیر متوجه شده‌اند که مردان و زنانی که ازدواجشان محکم و پایرجای بوده و علائق زناشویی مرد وزن برپایه عشق و محبت گذارده شده فرزندان آنها زودتر بمرحله تکامل شخصیتی می رسند و برعکس کسانی که بین آنان تفاهم و محبت زناشویی وجود ندارد و مرد و زن هرکدام سعی می کنند که از فرزند خود محبت و خشودوی لازم را بگیرند ، فرزند آنان دیرتر قدرت پیدا می کند که خود را به مرحله عالی تکاملی برساند . اینگونه کودکان شخصیتی ضعیف داشته و ترفی اجتماعی آنها نیز دچار اشکال می گردد .

البته ناگفته نماند که نظیر این اختلاف سلیقه ها و اشتباهات تربیتی در انواع

دارد . از طرفی پدر به سر خود اجازه خروج از خانه را می دهد در همان حال مادر مخالف خروج کودک خود از خانه می باشد و این عدم توافق در روش تربیتی مشکلات فراوانی را چه برای والدین و چه برای کودک از لحاظ روحی و روانی به بارمغان آورده و باو لطمه شدیدی می زند .

موضوع دیگری که قابل بحث و تاءمل است روابط پنهانی یکی از والدین با فرزند خود می باشد ، فی المثل مادری پسر خود را که پدرش او را از بازی درکوجه منع کرده آهسته و بدون آنکه پدر متوجه گردد بکوجه می فرستد . و نظایر آن بکرات دیده می شود تا بالاخره روزی پدر متوجه اینگونه کارهای محرمانه همسر خود شده و آنوقت است که مشاجره و دعواهای سختی میان آنها بوجود می آید . اینجاست که باید گفت واقعا " منظور مادر از اینکارها چیست ؟ آیا می خواهد حاکمیت مطلق خود را درخانه بدینصورت به اثبات برساند ؟ آیا بخاطر خواست فرزند دلپندش است ؟ و یامی - خواهد بچه را علیه پدر تحریک نموده و روابط وی و پدرش را معشوش سازد و یا ناآگاهانه و فقط بخاطر حس مادر و فرزند وی یا تنها جوابی که به این سؤال می توان داد اینست که مادر درهرحال اینکار را فقط از نظر پرورشی و تربیتی نمی کند ، بلکه این روش بیشتر ناشی از مشکلات و سوء تفاهماتی است که در خانواده میان پدر و مادر وجود دارد و آنوقت بدینگونه یعنی بهنگام تربیت کودکان عرض اندام می کند . این روش اثرات بدی بر روحیه کودکان باقی می گذارد که اهم آنها از اینفرااست :

کودک متوجه این نکته شده که هر ممنوع ممنوعیتی واقعا " غیر قابل اجتناب نبوده و

اولاً " دختر درک صحیحی از کار و کار کردن پیدا نمی کند. از طرفی مادر به دختر فشار می آورد که مزایای کار را برای وی تشریح نماید و از طرف دیگر پدر معتقد است که کار آنقدر هم مهم نیست. در اینجاست که کودک دچار سرگردانی و حیرانی گشته و در آینده در انتخاب راه زندگی خود مردد می ماند.

دختر منوجه این نکته نمی شود که کار و اشتغال انسان را شاد می کند چرا که همیشه کار را با ترس و نگرانی و دعوا و مشاجره تواءم می بیند و بدین ترتیب احتمال زیاد دارد که در آینده هرگز نتواند کار خود را با شادی و رغبت زیاد انجام دهد.

در بعضی خانواده ها نیز دیده می شود که پدر پسر را کاملاً " در اختیار خود گرفته بنحوی که وی را از رابطه عاطفی با مادر جدا نمود و همیشه و همه جا وی را بطور مطلق از آن خود دانسته و از خود جدا نمی نماید که این رویه نیز باستناد این دلایل از نظر کودک هم کاملاً " زیان آور است:

عدم تصور صحیح از زندگی زن و مرد و رسالت نهائی آنها در زندگی مشترک.

عدم درک و اجرای اصل مساوات میان زن و شوهر در امور خانوادگی.

پیدایش تصور غلط فرزند از نقش زن در اجتماع.

علاوه بر موارد یاد شده گاهی اوقات پدران و مادران بر سر کوچکترین موضوعی مربوط به فرزند خود بایکدیگر مشاجره می نمایند که اینگونه موضوعات واقعا " جای هیچگونه بحثی ندارند از قبیل اینکه مادر معتقد است که بچه باید سراسر ساعت هشت باطاق خواب برود و بخوابد ولی پدر عقیده دارد که وقتی

خانواده ها زیاد است. مثلاً " اگر بدری کد خود در فعالیتهای ورزشی اش ناموفق بوده پسرش را در این راه تشویق نماید درحالی که مادر بکلی با ورزش مخالف است، این اختلاف شدید سابقه و روش غلط تربیتی پدر بخاطر مخالفت شدید با همسرش، زیادهای مسلمی برای فرزندش بدین شرح خواهد داشت:

فرزند تحت تعلیمات و روحیه پدر خود روزگرو و متجاوز بار آمده، دائماً " می خواهد با دیگران نزاع کند.

رفتار خشونت آمیز و متجاوزانه پدر را نسبت به مادر خود سرمشق قرار داده که در اینگونه موارد اگر کودک پسر باشد تمایل پیدا می کند جنس رفتاری را در آینده با همسر خود در پیش بگیرد و اگر دختر باشد از مردها حالت انزجار و تنفر پیدا می کند که در هر دو حالت از نظر آینده کودک خطرناک است.

کودک تحت تاثیر رفتار پدر قرار گرفته و فکر می کند که این مرد است که همیشه باید فرمان بدهد و زن بعنوان برده ای که حق هیچگونه دخالتی را ندارد باید او امر را بدون چون و چرا بپذیرد.

مورد دیگری که در خانواده بر سر آن توافقی نیست مسئله کار کردن (بخصوص دختر) در خانواده است. از طرفی مادر برای آماده نمودن دختر برای زندگی آینده اش با کار کردن وی موافق است.

از طرف دیگر پدر مخالف این رویه است و معتقد است تا هنگامی که در خانه پدر زندگی می کند باید استراحت کند و راحت باشد که باید به اینگونه والدین تذکر داد که دختر و یا پسر از این روش و اختلاف نظر میان پدر و مادر لطمه زیادی می بیند که اهم آنها عبارتند از:

تعلیم و تربیت مراجعه نموده و بالاخره بقیه هم اختلاف نظر خود را همینطور ادامه می دهند و کودک بیچاره را دروادی سرگردانی در میان نظرات خود آشفته و حیران می نمایند. اما راه حل‌هایی چیست؟ چه باید کرد که فرزندانمان دستخوش چنین آشفتگی روحی و انواع نابسامانیهای روانی ناشی از عدم بکارگیری یكروشی صحیح تربیتی از جانب والدین نگردند. و اما راه‌هایی که بنظر می رسد عبارتند از:

اول اینکه از خود بیسید که واقعا " اختلاف سلیقه ما برسر تربیت کودکان ناشی از چه

پدربزرگ و مادر بزرگ به اینجا آمده اند مسئله‌ای نیست که بچه‌ها دیرتر بخوابند. و یا اینکه پدر معتقد است که بچه وقتی که بزرگتری صحبت می کند باید ساکت مانده و به صحبت‌های بزرگترها گوش دهد ولی مادر معتقد است که باید صحبت کند و حرف خود را نخورد. حالا در اینگونه موارد چه باید کرد؟ چگونه می توان مانع اینگونه اختلاف نظرها شد؟ حقیقت اینست که از نظر روان شناسان و علمای تعلیم و تربیت و علم الاجتماع دستور کلی در این موارد وجود ندارد. بعضی از والدین در این موارد با صحبت و مذاکره با یکدیگر با هم کنار



عواملی است؟ آیا می‌خواهیم برتری خود را به اثبات برسانیم؟ به فرزندانمان علاقه داریم؟ و به خاطر حوشبختی‌وی تلاش می‌کنیم؟ و آیا این مشاجره و مباحثه و برخورد مادر مورد آن مسئله درخور اهمیت آن موضوع هست یا خیر؟ و دیگر

می‌آیند و سعی می‌کنند که در ابتدا فلسفه تشکیل خانواده را تشریح نموده و بعد هر دو از نظریات خود عدول کرده و در حقیقت نظرات خود را بهم نزدیک نمایند. بعضی دیگر از والدین مدنی تربیت بچه‌ها را بدیگری و اگذار نموده که او کار تربیت بچه‌ها را زیر نظر بگیرد. بعضی دیگر به کتب تربیتی و متخصصین



دوره دبیرستان

گلگ اولیاء در آموزش فرزندان

یک ولی دلسوز و آگاه به فرزندش اجازه می دهد که رشد تحصیلی خود را با توجه به علائق ، استعدادها و امکاناتی که دارد اختیار کند نه برابرمیل و مطامع دیگران .



اولیاء و مربیان چند مطلب را در نظر داشته باشند تا بتوانند به دانش آموزان در دوره دبیرستانی در انتخاب شغل و حرفه کمک بیشتری بنمایند .
سیرشعلی

در مقاله قبلی راجع به آشنائی با رشته های تحصیلی و نحوه انتخاب رشته تحصیلی و معیارهای که باید مورد توجه قرار گیرد بحث کردیم . پس از انتخاب رشته و شروع تحصیلات دبیرستانی لازم است که

احتیاج به تفریح و استراحت دارد. اشتغال به کار و رها کردن سیر مطالعاتی در ساعاتی معین همان جنبه تفریح و استراحت را دارد. ثانیاً " نگارنده در طول ۳۴ سال خدمت آموزشی به رای العین دیده است دانش‌آموزانی که کار و حرفه ای همراه تحصیلات خود داشته اند موفق تر و شاداب تر بوده‌اند. این نیل دانش‌آموزان به دلائلی در ادامه تحصیل موفقیت بیشتری کسب کرده اند. یک دسته از تحصیلی که به موازات تحصیل کار می کرده‌اند به تحصیل دلچسپی خاص نشان می داده‌اند و علت اشتیاق و دلچسپی از این لحاظ بوده که احساس می کرده اند با ادامه تحصیلات به شغل بالاتر و برارزشتی اشتغال خواهند ورزید. همین نیل به ترفی و پیشرفت محرک خوبی برای ادامه تحصیلات جدی آنان بوده است. دست‌دیگر به علت اشتغال به حرفه دیگر به موازات تحصیلات اجتماعی سطح فکر و آگاهی آنان بالاتر رفته و آنان به علت پیش عمیقتر اجتماعی که داشته اند در تحصیلات رسمی موفق تر بوده‌اند و ایس توفیقات به نوبه خود محرک و انگیزه ای برای پیشرفت‌های بعدی بوده است.

طرح کاد

حوشخانه در سالهای اخیر برنامه ای به نام " طرح کاد " مطرح شده و سعی بر این است که دانش‌آموزان را ضمن تحصیل با یکی از مساعل مورد علاقه‌شان آشنا کنند. اولیای دانش‌آموزان بایستی شغل مورد علاقه فرزندان را مشخص نموده و سپس در جستجوی اسناد کار ماهری در آن رشته کوشش نمایند و بالاخره فرزند خود را در ادامه آن شغل کذب نام " طرح کاد " معروف شده است تشویق و

یکی از هدفهای تعلیم و تربیت آماده کردن افراد جهت انجام کار و حرفه معید در آینده است. از این جهت بر فراری‌رابطه‌ای بین کلاس درس و کار و حرفه ضروری به نظر می رسد. بنابراین باید از طرف مدرسه و مربیان برنامه های حساب شده‌ای تنظیم شده باشد تا دانش‌آموزان با رمور حرف و صنایع مختلف آشنا شوند و از طرف دیگر والدین بایستی با تشویق فرزندان‌شان به کارهای مختلف آنها را عملاً با حرف مختلف آشنا سازند. در این دوره دبیرسانی باید صاحبان مشاعل مختلف به مدرسه فراخوانده شوند تا با توضیحات کافی درباره حرفه و شغل خود دانش‌آموزان را با نکات و رمور شغل خود آشنا سازند. اولیای دانش‌آموزان هر کدام که شغل نایل عرضدای دارند بایستی طبق برنامه حساب سدهای در دبیرسان حضور یافند و راجع به شغل خود با دانش‌آموزان بدکنکو سردارند. دانش‌آموزانی که سفید و علاقه‌مند به حرفه‌ای شدند صاحبان آن حرفه بایستی با خوشروشی آنان را بدرند. و حد خوبست کار کردن در رشته خاصی بوام با تحصیل گردد. کارنوام با تحصیل

بساری از اولیا تصور می کنند که سبب دبیرستانی مخصوص درس خواندن و آماده شدن برای کار در آینده است و عقیده دارند که اگر فرزندان ساعاتی از عمر خود را بدکاری شراز تحصیلات رسمی اختصاص دهد از درس عقب می ماند. این تصور به دلائلی مردود است.

اولاً " تحصیل و یا درس خواندن به طور مستمر امکان بدر نیست. بد عبارت دیگر س ازگرداندن ساعاتی با مطالعه حتماً دهس

یاری نمایند. اولیاء بایستی با توجه به علائق و استعداد و امکانات فرزندانشان شغل مناسبی برای فرزندان خود انتخاب کنند و چه خوبست در انتخاب طرح کاد فرزندانیشان آنچنان جدیتی به خرج بدهند که فرزندان پس از اتمام تحصیلات بتوانند در همان رشته به فعالیت خود ادامه دهند.

امکان تغییر رشته؟ تحصیلی

مسأله دیگری که در دوران دبیرستانی بایستی مورد توجه اولیاء و مربیان قرار بگیرد اینست که اولاً " به دانش آموز دبیرستانی امکان تغییر رشته تحصیلی بدهند و ثانیاً " دانش آموز را از این امکان مطلع نمایند و ثالثاً " به هنگام تغییر رشته تحصیلی با او بصورت جدی مشورت نمایند و پس از صلاحدید در تغییر رشته به او کمک کنند.

خوشبختانه امکان تغییر رشته در تمام موارد ملحوظ و در تمام کلاسهای دبیرستانی پیشبینی شده است. اما مسأله‌ای که مناسبانه وجود دارد عدم امکان تحقق این پیش بینیه‌ها است.

مثلاً " در بعضی از نقاط کشور به علت محدود بودن تعداد دانش آموزان فارغ التحصیل راهنمایی منطقه مجبورند در یک رشته ادامه تحصیل دهند. و یا به علت ثبت نام منطقه‌ای در شهر تهران بزرگ انتقال از دبیرستانی به دبیرستان دیگر مواجه با اشکال و گاهی اوقات غیر ممکن می شود. که بایستی برای رفع این نقائص تدابیری اتخاذ شود.

مشکل دیگری که در سر راه تغییر رشته قرار دارد اعمال نظر سرسختانه بعضی اولیای دانش آموزان است که به جهاتی فرزندان خود را به تحصیل در رشته خاصی وامیدارند. این

یک ولی دلسوز و آگاه به هنگام ضرورت در تغییر رشته تحصیلی فرزندش از تمام امکانات خود استفاده می کند و با تمام وجود فرزندش را یاری می دهد تا رشته تحصیلی مورد علاقهاش را انتخاب کند.

قبیل اولیاء بایستی نرمش بیشتری از خودشان دهند. یک ولی دلسوز و آگاه به فرزندش اجازه می دهد که رشته تحصیلی خود را با توجه به علائق، استعدادها و امکاناتی که دارد اختیار کند نه برابر میل و مطامع دیگران.

یک ولی دلسوز و آگاه به هنگام ضرورت در تغییر رشته تحصیلی فرزندش از تمام امکانات خود استفاده می کند. و با تمام وجود فرزندش را یاری می دهد تا رشته تحصیلی مورد علاقهاش را انتخاب کند.

اطلاعات شناسی
دراقتصاد صنعتی جدید ناکزیریم که جهت کنترل زندگی شغلی مرینا " اطلاعاتی کسب نمائیم. دانش آموزان دبیرستانی هم از این قاعده مستثنی نبوده و آنان به نوبه خود بایستی از شرایط کوناگون مشاغل مختلف آگاه شوند. اگر آنان اطلاعات کافی در مورد مشاغل و حرف موجود در جامعه داشته باشند به انتخاب آگاهانه تری دست خواهند زد. به عنوان مثال یک دانش آموز دبیرستانی که میل دارد تحصیلاتش را در رشته ساختمان به پایان برساند باید از کیفیت تعلیم و وضع بودجه - نیاز



کسب اطلاعات صحیح شغلی قسمت مهمی از بلوغ شغلی بوده است و از طرف دیگر اطلاعات صحیح شغلی بالاترین همبستگی را با موفقیت و رضایت شغلی افراد نشان داده است. بنابراین هیچ فرد موفقی نمی تواند بدون دریافت اطلاعات صحیح شغلی زندگی شغلی آینده خویشتن را برنامه ریزی کند. پدران و مادران دلسوز و آگاه و مربیان معتمد و مسئول موظفند با همکاری یکدیگر اطلاعات صحیح و واقعی شغلی را جمع آوری و در اختیار نوجوانان و جوانانی که مسئولیت تربیت آنان را دارند بگذارند تا جوانان بتوانند با توجه به اطلاعات دریافتی شغل آینده خود را انتخاب کنند. وظیفه دیگر اولیاء مربیان آنست که فرزندان و دانش آموزان جوان خود را در کسب اطلاعات شغلی و افزایش این اطلاعات ترغیب نمایند، تا آنان با تلاش و کوشش خود هر روز به اطلاعات شغلی بیشتر و جدیدتری دست یابند.

جامعه به رشته ساختمان - مطلع باشد تا بتواند مناسبترین راه آموزش این حرفه را برای خود انتخاب نماید. یا یک جوان که اشتیاق دارد در آینده قاضی شود باید اولاً تفاوت بین رشته های ادبیات، تاریخ، علوم اجتماعی و اقتصاد را به منظور انتخاب بهترین رشته که موفقیت او را در رسیدن به مقام قضا میسر می سازد بشناسد. باید بداند بعد از اتمام تحصیل چگونه به شغل مورد نظرش دست یابد و چه اطلاعات و تجارب مفیدی می تواند کسب کند. تجارب و تواناییهایش را چگونه می تواند در ارتباط با شغل قضا مورد استفاده قرار دهد.

بنابراین زندگی حرفه ای و ورود به آن شامل مراحل بسیاری می باشد و در هر مرحله احتیاج به تصمیم گیری صحیح دارد و تصمیم گیری درست مستلزم داشتن اطلاعات صحیح در مورد شغل مورد نظر است.

در بعضی از کشورها تحقیقات مفصلی انجام شده و نتایج این تحقیقات ثابت کرده است که

لطفاً ورق بزنید



بایستی سعی کنیم که این مدل‌های موفق را در معرض دید و توجه جوانان فرار دهم تا جوانان مستقیماً " به جمع آوری اطلاعات شغلی آنان و تجزیه و تحلیل و کاربرد آن اطلاعات بپردازند .

ب - دنبال کردن و کسب اطلاعات :

چنانچه کاری در نزد نوجوان و جوان جالب به نظر می رسد جوان در کسب اطلاعات راجع به آن کار و حرفه راغب شده و تا سرحد امکان آن شغل و حرفه را دنبال می کند و اطلاعات لازم را در مورد آن بدست می آورد . اولیاء و مربیان در مورد جالب ساختن کار و کسب اطلاعات نقش ویژه‌ای دارند . جوانان مشتاقند که از کارهای مختلف سردر بیاورند . وظیفه اولیاء و مربیان است که در آشناسازی جوانان با کار و آموزش مهارت‌ها و رویه های کاری اشتیاق آنان را به کسب اطلاعات درباره آن شغل و کار ابقاء نمایند . بنابراین بایستی تجربیات شغلی و مهارت‌های کاری لازم را در دسترس جوانان فرار دهند و به شیوه‌ای آنان را تشویق نمایند

نحوه افزایش و کسب اطلاعات شغلی

لازم نیست که اولیاء مرتباً " اطلاعاتی درباره مشاغل گوناگون بدست آورند و آن اطلاعات را در اختیار فرزندان دبیرستانی خود بگذارند به عبارت دیگر لازم نیست که اولیاء و مربیان همیشه عرضه کننده اطلاعات جدید باشند . شاید بهتر باشد که جوانان را در بدست آوردن اطلاعات جدید شغلی تشویق کنیم تا آنان خودشان به دنبال کسب اطلاع باشند . تشویق جوانان در سنین دبیرستانی به کسب اطلاعات شغلی طرق مختلفی دارد که به بعضی از آنان ذیلاً " اشاره می کنیم .

الف - پاداش :

از آنجا که پاداش در تمام مراحل زندگی یکی از انگیزه های قوی جهت فعالیت افراد می باشد بایستی این اصل پاداش را در جهت کسب اطلاعات شغلی بکار بریم . اصل پاداش را در کسب اطلاعات شغلی به طرق مختلف می توان اجرا کرد - مثلاً " دانش آموزا می توان تشویق نمود که با مراجعه به کتب و موسسات مختلف اطلاعات کاملی در مورد یک رشته ساخته شده کسب و ارائه داده و جایزه‌ای دریافت دارد . از طرف دیگر جوانان وقتی ببینند که افرادی مورد تحسین جامعه قرار گرفته اند خواه و ناخواه میل دارند که درباره زندگی آنها مطالعه و در مورد موفقیت این افراد را کشف کنند .

یکی از علل محبوبیت این افراد ممکن است شغل و حرفه آنان باشد . لذا دانش آموز جوان را باید تشویق نمود که اطلاعات دقیق و جامعی درباره شغل این افراد معروف کسب نماید . این مدل‌های زنده و نمونه های عینی بهترین مشوق جوانان در کسب اطلاعات شغلی می باشند لذا



خود ارائه دهند و عکس العمل جوانان هم اغلب در مقابل اخذ و کاربرد این اطلاعات ضعیف بوده است و یا اصولاً به این اطلاعات بی توجه بوده‌اند.

بطور کلی اگر فردی مرتباً اطلاعات لازم برای حل مشکلات و یا برنامه‌ریزی را دریافت دارد، احساس مسئولیت شخصی برای کسب اطلاعات دروی پرورش نمی‌یابد. وقتی جوانان تشخیص بدهند که برای اخذ تصمیم نیاز به اطلاعات کافی دارند متمایل به اکتساب آن می‌گردند. ولی اگر تصور کنند که مسئول کسب اطلاع کسی دیگر است و آن فرد باید همیشه اطلاعات صحیح و دست اول را تهیه و در اختیار جوان قرار دهد دیگر تمایلی به کسب اطلاع از خود نشان نمی‌دهند. بنابراین یکی از اهم وظائف اولیاء و مربیان ایجاد احساس نیاز به کسب اطلاعات در دانش‌آموز است.

یدالله جهانگرد

که در تکمیل کردن اطلاعات شغلی خود ثابت قدم و پابرجا باشند.

نهضت تعلیم و تربیت حرفه ای امیدوار است که تجارب آموزشی مفیدی درحد توانائی هر جوان و نوجوان فراهم کرده و در اختیار او قرار دهد. برای دنبال کردن کسب اطلاعات و افزودن به تجارب مفید شغلی نوجوانان احتیاج به تشویق و روبروشدن مستقیم یا بعضی از مشاغل دارند.

ج: ایجاد احساس نیاز:

به جوانان باید احساس نیاز و مسئولیتشان را در کسب اطلاعات شغلی گوشزد کنیم. بعضی از اولیاء و مربیان ارائه اطلاعات لازم را با پرورش نیاز به کسب اطلاعات اشتباه کرده‌اند به این معنا که بسیاری از اولیاء و مربیان تلاش می‌کنند اطلاعاتی دقیق در مورد مشاغل مختلف کسب و آن اطلاعات را به فرزند و یا شاگرد

بقیه از صفحه ۱۹

سوالات مشابه که می‌تواند در این زمینه بسیار سودمند و مفید واقع شود.

دوم اینکه از خود بپرسید این عدم توافق شما واقعا " بخاطر تربیت فرزندان است و یا بخاطر موارد دیگر؟ مثلاً " بخاطر وضع بد مالی خانواده، و یا مشکلات مشابه آن باید در اینگونه موارد به رفع مشکلات اساسی خانواده پرداخته‌اند اینک وقت و انرژی خود را صرف مسئله فرعی نموده و مسائل اصلی تر و مهم تر زندگی را به وادی فراموشی سپرد.

راه معقول دیگر مشاوره و در میان گذاشتن مشکلات و نگرانیها و ناراحتیها و نابسامانیهای زندگی خود با فردی امین و با تجربه و آگاه در این زمینه هاست. گاه اگر این مشاور یک

روان شناس و یا متخصص مجرب تعلیم و تربیت باشد بی نهایت می‌تواند سودمند و مفید و موثر واقع گردد چرا که می‌توانید با آنها مشورت نموده و از نظر ایشان استفاده نمائید.

مجموعاً این راه‌های است که بنظر می‌رسد بتواند در صورت بکارگیری والدین مفید واقع گردد. امید آن است که والدین محترم با مدنظر قرار دادن و عنایت کامل به مطالب ذکر شده در این مقاله و همچنین مقاله‌ها و کتب تربیتی دیگر نکات مفید تربیتی را به شیوه صحیح در جو خلقی و عاطفی خانواده خود حداقل امکان - اجرا و رعایت نمایند و بدینوسیله ضامن سلامت و بهداشت روانی خود و فرزندان‌شان باشند.

علیرضا صدیق پور